



این خبر نیاز به ورود سازمان بازرسی دارد

قبور شهدا دوباره محل رانت شد!

صفحه ۱

خبر بسیار کوتاه است، یک شرکت تازه تاسیس بدون رزومه اجرایی قرارداد ۲۰ میلیارد تومانی با بهشت زهراي تهران منعقد کرده تا قطعه ۵۰ را به اسم مناسب سازی توسط کارگران افغان شخم بزند. حالا تصور کنید هر قطعه ۲۰ میلیارد....!

ماهنامه سراسری اجتماعی-سیاسی «میدان آزادی»
شماره: ۸
۳۰ مهرماه ۱۴۰۲
قیمت: ۸۰۰۰ تومان



پرونده فساد ۵۰ هزار میلیاردی دامگستر در جنوب تهران وارد فاز جدیدی شد

مشاهده ردپای مدیران آستان امام (ره)

صفحه ۸



ناگفته‌های تلخ

۴۰ سوال از مسئولان نظام در مورد نفوذ افغان هادر ایران

افغانی سالاری

صفحه ۲

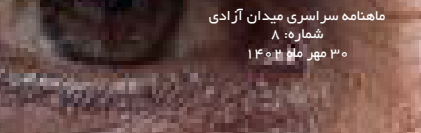


به نام «فلر» به کام پیمانکار

آیا بخشی از میلیون هادلار هزینه جمع آوری گاز فلر وارد برج سازی در شمال تهران هم می شود؟

مبلغ قرارداد را به دلار می گیرد اما کار نمی کند و حتی پول پیمانکارانش را هم نمی دهد. آیا سرمایه گذاری با پول و پروژه مردم برای منافع شخصی درست است؟ چرا نظارتی وجود ندارد؟

صفحه ۳



گزارش ویژه میدان آزادی

۴۰ سوال از مسئولان کشور در مورد مهاجران افغان

نفوذ افغان ها در ایران

مسئولان نظام به سوالات

خبرنگار فکر کنند تا عمق فاجعه را در یابند

نه افغان ستیز هستیم و نه قصد برهم زدن تعاملات دو کشور را داریم. بنا بر این نمی شود با تهدید و تهمت از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد. حتما باید با افزایش سرقت، جنایت، جاسوسی، زندانی، نفوذ، نامنی غذایی و قضایی و آسیب های اجتماعی روبرو شوید تا به هشدار یک روزنامه نگار تحقیقی محل بگذارید و بررسی کنید؟

گزارش | ماهنامه سراسری میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده

این مطلب را برای نمایندگان مجلس، اعضای هیات دولت، اعضای شورایعالی امنیت ملی، سران قوا، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان و مسئولان عالی قضایی کشور می نویسم. این مطلب ژونالیستی و زرد نیست و فقط می خواهم با دقت بخوانید. برای هر نکته ای که بازگو کردم اول تامل کنید و بعد دستور پیگیری و بررسی دهید. اگر مطالب من دروغ و کذب بود با من بعنوان روزنامه نگار جاسوس، دشمن ملت، کذاب و بی سواد برخورد کنید. اول) چرا آمریکا افغانستان را به سرعت ترک کرد؟ و چرا طالبان را بعنوان دولت جایگزین تأیید کرد؟ دوم) گروه زیادی از افغان ها از ۴۰ سال قبل وارد ایران شدند و تشکیل خانواده و زندگی دادند و ۴ دهه است که کنار این مهاجران بدون دغدغه همزیستی داشتیم و مهمان نوازی کردیم. اما امروز اوضاع فرق کرده چراکه در مدت زمان کوتاهی ۲ میلیون افغان که با آنها همسایه بودیم به ۸ میلیون نفر افزایش یافتند که در میان این جمعیت، پشتون ها با گرایش طالبان مشاهده می شوند. چرا در یک سال گذشته موج زیادی از پسران مجرد که بعضا سرباز یا افسر طالبان بودند به اسم مهاجرت یا فرار از طالبان وارد ایران شدند؟ سوم) چرا مرزهای ایران در همجواری با افغانستان آنگذر می در و پیکر است که روزانه هزاران افغان به راحتی وارد تهران، شیراز و مشهد می شوند؟ چهارم) بودجه استداد مرزها که با تصویب مجلس و لطف رهبر انقلاب تأمین شده بود صرف چه شد و چرا مرزهای ایران به سیستم سنسورها و دوربین های مداربسته و پرژکتور مجهز نیست؟ مگر می شود در سال ۱۴۰۲ و ۲۰۲۳ بر اساس قرون وسطی از مرزها نگهبانی کرد؟ پنجم) چرا افغان ها تا امروز و این لحظه بدون آمار دقیق، تشخیص هویت الکترونیکی، رصد و آمایش سرزمینی بعنوان یک تبعه خارجی که تهران، مشهد، اصفهان و شیراز بعنوان مهمترین شهرهای کشور زندگی می کنند؟ ششم) چرا یک افغان چه با کارت و چه بدون کارت می تواند به راحتی از کارت بانکی شهروند ایرانی و سیم کارت او برای اموراتش به صورت اجاره ای استفاده کند و حتی به راحتی در کار ساخت و ساز، خرید و فروش مسکن و زمین باشند؟ هفتم) چرا تمامی بنگاه های املاک به آسانی و بدون دغدغه به تمامی افغان ها مشاوره مسکن داده و پای قولنامه های آنها را امضا و مهر می کنند؟ هشتم) چرا لایحه قاچاق انسان یک مرتبه از دستور کار مجلس خارج شد تا هیچ برخوردی با افغان ها و مهاجران غیررسمی نشود؟ هیچ برخوردی با صاحبان مشاغل که افغان های غیرمجاز را به کارگیری می کنند نشود؟ نهم) چرا برای ۸ میلیون افغان که امروز در ایران سکونت دارند هیچ قانونی وجود ندارد و آنها در بهشتی که مسئولان برایشان آفرینند خوش و خرم از تمام منافع ایران به آسانی استفاده و بهره می برند؟ دهم) چرا اخبار مرتبط با تجاوزات، سرقت ها، قتل ها که پای افغان ها در میان بوده سانسور می شود؟ یازدهم) طرح سازمان ملی مهاجرت بر چه مبنایی نوشته شده و قرار است تصویب شود؟ مگر ما مهاجران اروپایی و آمریکایی و آفریقایی داریم؟ مگر به جز افغان ها مهاجر دیگری در ابعاد میلیونی در ایران است؟ آیا این طرح همان طرح سازمان ملی حمایت از افغان ها برای افزایش جمعیت اتباع آن است که تفکرات طالبان برگرفته از تفکرات خارج از کشور و پروژه نفوذ نمی تواند باشد؟ دوازدهم) چرا رسانه هایی مانند بی بی سی فارسی، اینترنشنال و صدای آمریکا برای تصویب سازمان ملی مهاجرت ذوق می کنند؟ سیزدهم) چرا تحصیل دانشگاه و حوزه های علمیه برای اتباع باید رایگان و با یارانه ملی ایران باشد؟ آیا این تشویق برای جذب افغان ها به ایران نیست؟ چهاردهم) چرا به افغان هایی که به صورت قاچاقی به ایران وارد شدند بعنوان مهاجر و سرمایه نگاه می کنید در حالی که نه سواد دارند، نه سرمایه، نه تخصص و همراه خود تفکرات و فرهنگی که ارتباطی با ایران ندارد را به ارغمان می آورند؟ پانزدهم) چرا وزارت کشور علی رغم تصویب سازمان ملی مهاجرت اقدام به ایجاد این سازمان بدون مجوز قانونی کرد؟ چه عجله ای بود؟ بعد از ۴۴ سال یک شبه باید سریع این سازمان تشکیل

شود؟ چه تفکری پشت آن است؟ شانزدهم) چرا وقتی بارها نوشتم و هشدار دادم که زمین های اطراف حرم امام خمینی (ره)، زمین های اطراف پلایشگاه تهران، اطراف سایت موشکی ایران در کهریزک، اطرف یادگان ها و غیره از سوی افغان ها اجاره شده و ساکن هستند و حتی تعداد زیادی از روستاهای همجوار با انبارهای استراتژیک کشور و انبارکندم صدر در صد تبعه افغان شدند هیچ اقدامی برای اجرای آمایش سرزمینی و تأمین امنیت نشد؟ قرار است روستاها را به افغان ها تحویل دهیم؟ هفدهم) در کجای دنیا می شناسید که هشت میلیون نفر مهاجر بدون سواد، تخصص و پول وارد کشوری شوند و منابع اشتغال و آذوقه و کالاهای اساسی آن را استفاده کنند و در آخر به آنها پاداش صدور شناسنامه و مجوز خرید خودرو و افتتاح حساب بانکی آن هم در بانک سپه و ویژه نیروهای مسلح دهند؟ آیا این ایجاد امنیت برای کشور است؟ آن وقت من را بازخواست می کنید که دارم امنیت کشور را برهم می زنم؟ هجدهم) ۷۰۰ هزار دانش آموز اتباع در کشور در حال تحصیل با پول بیت المال و مردم ایران هستند. و در مدارس که خیرین مدرسه ساز ساختند تحصیل می کنند. چند سوال دارم و بررسی کنید. چرا گروهی از خیرین مدرسه ساز تمایلی به ساخت مدرسه برای اتباع ندارند؟ چرا نهادهای امنیتی هیچ اطلاع دقیق هویتی از دانش آموزان و خانواده آنها به صورت برخط و حرفه ای ندارند؟ و اینکه ۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه دانش آموزان افغان که ایران دارد پرداخت می کند چه نفعی برای مردم ایران دارد؟ نوزدهم) چند درصد پرونده های قضایی مرتبط با جرائم افغان ها در کشور است؟ آیا پرداخت هزینه میلیاردی برای نگهداری از ۶ هزار زندانی افغان و رسیدگی به پرونده های آنها درست است؟ در حالی که مردم کشور از مشکلات اقتصادی رنج می برند؟ بیستم) کجای دنیا میلیون ها مهاجر به آسانی سه میلیون فرصت شغلی یک کشور را بدون پرداخت یک ریال مالیت و عوارض اشتغال می کنند در حالی که در همان کشور میلیون ها جوان بیکار هستند؟ بیست و یک) چرا سازمان غیرقانونی ملی مهاجرت بدون مجوز در استان گلستان اقدام به صدور دفترچه هویت اتباع و کاندملی و افتتاح حساب در بانک کرده است؟ برچه مبنای اقتصادی و امنیتی این رخ داده است؟ بیست و دو) چرا به جای محدود کردن و هدایت مهاجرپذیری افغان ها و کشور اخراج افغان های غیرقانونی تلاش بر ثبت هویت و دادن امکانات زندگی، شغل، تحصیل و غیره می کنید؟ آیا تصور نمی کنید این همه مهربانی برای میلیون مهاجر غیرقانونی به نفع منافع ملی ایران و مردم نیست؟ بیست و سه) چرا باید در کوچه و خیابان های ایران اتباع قاچاق به آسانی در کنار زن و بچه و نهادهای امنیتی و نظامی تردد کرده و زندگی کنند؟ چرا؟ چرا؟ علت این همه ممانعات چیست؟ بیست و چهار) چرا باید مافیای غیرتشکیلاتی سرایداری باخ، ها مجتمع های مسکونی و ویلاها همه در اختیار افغان ها باشد؟ فقط یک نمونه آن در پرونده درباریوش مهرجویی افشا شد که خوشبختانه نمی شد تا بنمایش کرد. بیست و پنج) آیا وقتی یک افغان غیرمجاز و بیسواد و مهاجر غیرقانونی با گرفتن پول می تواند فردی را به قتل برساند نمی تواند در برابر پول جاسوسی کند؟ بیست و شش) آیا تصور کردید با ایجاد سازمان ملی مهاجرت و دادن هویت به افغان ها آنها اصبح می آیند فرم پر می کنند؟ به دلیل عمق دریای غفلت در تهران بهشت قاچاقچیان و فاسدان است حالا در این میان قطعا چند میلیون آونک و آپارتمان برای افغان های قاچاقی با پرداخت چندمیلیون تراول پیدا خواهد شد. وقتی در تهران ۲۰ سال ۱۰۰۰ انبار بزرگ بدون مجوز انبارداری می کردند، وقتی ذکل نفتی کم می شود چطور می توانید بروید افغان های غیرمجاز را پیدا کنید و دعوت کنید ثبت نام کنند؟ مگر توانستید در سرشماری نفوس سنج آمار ایرانی ها با اطلاعاتشان را کامل بگیرید که حالا در افغان ها موفق شوید؟ برای آخرین بار می گویم که جریان نفوذ چراغ ندارد و ما باید باهوش باشیم. هر وقت خبرنگار حرفه ای را برای پرداختن به حفظ امنیت کشور دشنام داده و تهدیدش کردند بدانید که جریان نفوذ کارش را بلد است.



دی ماه ۱۳۹۷ در دستور رئیس جمهور وقت (حسن روحانی) قرار شد با هدف تأمین گازهای خوراک مورد نیاز به میزان ۲۰۰۰ میلیون استاندارد فوت مکعب طرح جمع آوری گازهای مشعل (طرح فلر) اجرا شود. شرکت پالایش گاز بیبدیند خلیج فارس به عنوان سرمایه گذار بخش

اعظم طرح جمع آوری گازهای مشعل شرق کارون اسفندماه ۱۴۰۰ هشت قرارداد EPC با شرکت های ایرانی منعقد کرد. قرارداد احداث ایستگاه های نمکزدایی و فشارافزایی مارون ۳ و ۵ و رامشیر با شرکت های «پترونیر» و «صبا» و «خدمات مدیریت نورهان صنایع»، احداث خطوط جمع آوری و انتقال گاز طرح جمع آوری گازهای مشعل با شرکت های «سکاف» و «سروش انرژی پویا»، احداث واحد نمکزدایی و فشارافزایی آغاچاری ۲ و نمکزدایی پازنان یک را با شرکت های «پتروسازه مبین» و «مشاور پارس»، خطوط لوله گاز رگ سفید ۱ و ۲، لوله مایعات ان جی ال ۱۲۰۰ و خط لوله گاز بی بی حکیمه به سیاهمکان و لخته گیر سیاهمکان را با شرکت های «صنایع مائین سازی کاوه» و «مهندسان مشاور ستیران»، احداث ایستگاه جدید تزریق گاز بی بی حکیمه و خطوط لوله مربوطه را با شرکت های «پتروپایدار ایرانیان» و «پتروتدبیر پارس» و احداث ایستگاه های نمکزدایی و فشارافزایی آغاچاری ۱، ۳، ۴، ۵ و ۶ را با شرکت طراحی و مهندسی «صنایع پتروشیمی (پیدک)»، برق رسانی به ایستگاه رگ سفید با شرکت های «برق و تأسیسات دریاان» و «مهندسی مشاور نیروی خراسان» و احداث پست برق ایثار و ورود و خروج خط هوایی تک مداره امیدیه ۲ چغادک با «شرکت توسعه پست های فشارقوی پارسیان»، امضا کرد. مجموع ارزش این هشت قرارداد که میان امین نژاد، و مدیران عامل شرکت ها امضا شد. ۴۷۰ میلیون یورو (۲۸ هزار میلیارد تومان) است. مدیریت شرکت پالایش گاز بید بلند تصمیم بر آن گرفت که مدیریت اجرای طرح را به شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی (پیدمکو) به مدیرعاملی صفرعلی بابایی و امضای حبیب الله بی طرف بعنوان رئیس هیات مدیره واگذار کند. اما اینکه این تصمیم بر اساس بر گزارى مناقصه یا دستور خاص رخ داده هیچ سند و مدرکی در دست نیست. «حبیب الله بی طرف» عضو جبهه مشارکت اسلامی است که در کارنامه مدیریتی او استناداری بزد در دهه ۶۰، معاون وزیر نیرو در دولت آیت الله هاشمی، وزیر نیرو در دولت خاتمی و معاون وزیر نفت در دولت روحانی به چشم می خورد. همچنین صفرعلی بابایی کارشناس ارشد مهندسی برق که از او در سایت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس بعنوان مغز متفکر مدیریت پروژه پتروشیمی ایران نام برده شده که در ۲۰ مهرماه ۱۳۹۳ در دولت حسن روحانی بعنوان مدیرعامل شرکت توسعه صنایع پتروشیمی خلیج فارس منصوب شده بود. حبیب الله بیطرف و صفرعلی بابایی بعنوان مدیران اصلی شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی بر اساس این قرارداد موظف و مکلف بودند تا این پروژه بزرگ ملی را در مدت ۳.۵ سال به سرانجام برسانند که حالا پس از گذشت حدود چند سال از این قرارداد ۲۷۵ میلیارد تومانی در یافت بخش زیادی از مبلغ این قرارداد تا سال گذشته فقط ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشتند که این به معنای عدم توانایی و مدیریت درست اجرای پروژه از سوی پیدمکو و عدم نظارت در اجرای مفاد قرارداد از سوی شرکت پالایش بید بلند است. یکی از دلایل تعلل در اتمام پروژه ها را می توانیم به عدم انتخاب پیمانکاران حرفه ای با امتیاز بالا هم عنوان کنیم به نحوی که بعنوان مثال در انتخاب پیمانکار احداث واحد نمک زدایی و فشارافزایی تحت عنوان پروژه ایستگاه جدید بی بی حکیمه یک، شرکت مهندسی و ساختمانی بر نام «پناه صنعت پارت» که مدیریت آن بر عهده شهرام غیانی مقدم و ریاست هیات مدیره آن بر عهده نورمحمد پناهی است برنده مناقصه می شوند در حالی که در این مناقصه شرکت های غولی مانند شرکت چگلش، جهانپارس، پیدک شیراز و جنیدی شاپور هم با رزومه و امتیاز بسیار بالا مشارکت و حضور داشتند. اما در نهایت پناه صنعت پارت انتخاب می شود چرا؟ چون قرارداد چربی بود و ۲ هزار میلیارد تومان را نمی شود به هر کسی داد البته باید سازمان بازرسی در مورد آن ورود کند. پروژه فرعی دیگری از ۲۸ پروژه مورد نیاز طرح «فلر» تحت مدیریت «پیدمکو» با نام گروه پروژه های تعویض خطوط لوله انتقال گاز و گاز مایع به شرکت صنایع مائین سازی کاوه به مبلغ قرارداد حدود ۷۰۰ میلیارد تومان (ارزی و ریالی)، در تاریخ آذرماه ۱۴۰۰ واگذار شد. با بررسی سایت رسمی شرکت مائین سازی کاوه (کاوه میدل) می توان گفت که این شرکت تاکنون هیچ پروژه احداث خط لوله ای انجام نداده و اگر هم انجام داده

گزارش ویژه برای رئیس جمهور

به نام «فلر» به کام پیمانکار چطور دلارهای پروژه سر از برج های تهران در می آورد؟

گزارش | ماهنامه سراسری میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده

بناشد هیچ مشخصات و رزومه ای در این سایت مشاهده نمی شود. حالا این سوال مطرح می شود که این شرکت بر اساس چه مبنایی به امتیاز مورد نیاز فنی و اجرایی مورد قبول در این پروژه دست یافته است؟ آیا این نکته که شرکت مائین سازی کاوه با مشارکت شرکت خوشنام و با تجربه ستیران (شرکت ایرانی – فرانسوی) در مناقصه برنده شده درست است؟ آیا شرکت ستیران در اجرای پروژه نقش محسوس دارد یا فقط بعنوان یک اهرم و ابزار از آن استفاده شده و سهم خود را دریافت کرده و رفته است؟ پرسشی که باید مدیران ستیران و پیدمکو به آن پاسخ دهند! آنچه در این پرونده جای سوال دارد آنکه بر چه مبنایی برگزاری مناقصات از سوی شرکت پیدمکو تحت فرمان و نظارت شرکت پالایش بید بلند به صورت محدود بر گزار شد؟

با تمامی این انتقادات باز هم بخشی از اجرای طرح فلر اجرایی شد و حالا که دولت در حال جشن و پایکوبی برای موفقیت های اجرای طرح است اما خبرهای نه چندان خوبی به گوش می رسد. بعنوان مثال شرکت صنایع انرژی ایران به مدیریت اصغر عظیمی در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ تاریخ قرارداد و انجام تعهداتش با شرکت بخش و پالایش بید بلند به پایان می رسد اما متأسفانه در انجام تعهداتش ناکام می ماند. این شرکت موظف و متعهد بوده تا دو خط بزرگ مواضلائی برای جمع آوری گازهای فلر رک سفید یک و رک سفید دو را بستر سازی کرده و اقدام به حفاری و لوله گذاری کند اما این کار را محقق نکرد در حالی که شنیده شده بخش زیادی از قرارداد خود را به دلار (حدود ۹ میلیون دلار) دریافت کرده است. بر اساس اطلاعات رسیده به سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار تا امروز هیچ لوله ای خریداری و وارد این پروژه نشده و حتی دو شرکت ایرانی و چینی هم تأیید کردند که لوله ای از آنها برای این طرح خریداری نشده است و تعدادی از پیمانکاران آقای عظیمی (شرکت صنایع انرژی ایران) هم به دلیل طلب های میلیاردی که از او دارند معترض شده و با مسئولان بالاتر نامه نگاری کرده اند. این مطالب موجب شده تا پیمانکاران به دلیل مغروض بودن پروژه را مرتباً به حالت تعلیق در آورند و پروژه از زمان بندی عقب مانده است. سوال این است که بر اساس چه مبنایی وقتی یک شرکت نمی تواند به تعهداتش عمل کند و پروژه بزرگ ملی را زمین می گذارد باز هم با او همکاری می شود؟ آیا این تعلل و سوء مدیریت به اجرای طرح مهم زیست محیطی و اقتصادی ایران ضربه نمی زند؟ آیا اختلال در نظام اقتصادی ایران نیست؟ هر چند مستنداتی در دست نیست اما بر اساس منابع آگاه بخشی از پول دریافتی یک پیمانکار صرف خرید ملک در منطقه بوکان در نیلوران تهران شده که آن هم باید از سوی سید احمدرضا دستغیب رئیس کل دیوان محاسبات کشور، محسن برزوزاده معاون فنی و حسابرسی امور اقتصادی و زیربنایی دیوان محاسبات و ذبیح الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور مورد بررسی قرار گیرد. در بیان اهمیت این طرح ملی باید گفت که رها سازی گازفلر (گاز مشعل پلایشگاه ها) صدمات جبران ناپذیر زیست محیطی به همراه دارد که نمونه آن را در اراک و تهران و حجم بالای آلودگی هوا شاهد هستیم. در جهان سالانه افزون بر ۱۵۰ میلیارد متر مکعب گاز تحت عنوان فلر پتنگ (یا سوزاندن گازها توسط مشعل) به مواد آلاینده تبدیل می شود که بر اساس آمارهای بانک جهانی این رقم چیزی معادل یک سوم مصرف گاز کل اروپاست. از کل حجم گازهای آلاینده، ۷۵ درصد آن متعلق به ۱۰ کشور است که ایران هم جزء آنها محسوب می شود. طبق آمار شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۹۵ مقدار باقوه گازهای همراه برای جمع آوری در شرکت های عملیاتی نفت روزانه نزدیک به ۴۳ میلیون مترمکعب (بیش از ۱۱۰ میلیون بشکه معادل نفت خام در سال) بوده است. لذا مسئولان دولت دوازدهم و در ادامه سیزدهم تصمیم جدی برای جمع آوری گازهای فلر گرفتند. بر اساس تازه ترین اعلام وزارت نفت، با افتتاح طرح بیدبلند خلیج فارس، بخشی از گازهای همراه نفت از سه استان خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد جمع آوری شد. دلوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه می گویند: ۸۰ تا ۸۰ سال است که در کشور گاز فلر تولید می شود و تأسیسات نفتی و گاز ما فلر تولید می کنند. حالا ما هزار میلیارد مهم کارهای خوب دنیا را ظرف پنج سال انجام دهیم. ماروزانه ۴۰ میلیون مترمکعب گاز فلر داریم. دپرو تکل های بین المللی آمده که اگر گاز فلر جمع نشود ۷۵ درصد قیمت صادرات جریمه می شویم. ۴۰ میلیون مترمکعب با قیمت صادراتی در طول سال را اگر محاسبه کنیم و بخواهیم ۷۵ درصد قیمت صادرات به عنوان جریمه جمع آوری گازهای فلر دریافت شود رقمی بالغ بر ۱۶۵ هشت می شود حال این که کل بودجه شرکت ۱۵۰ همت است. این کار به معنای نقل کردن تمام تأسیسات نفت و گاز است.

گزارش

ویژه میدان آزادی



ماهنامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۸
۳۰ مهر ماه ۱۴۰۲
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده

چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان
بهنام-کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه
واحد ۴-تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴

پرونده فساد دامگستر در جنوب تهران وارد فاز جدیدی شد

مشاهده ردپای مدیران آستان امام (ره)

نقشه جابجایی قدرت از سوی هیات مدیره شرکت دامگستر از سوی روزنامه نگار
ضدفساد افشا شد.



سید هادی کسایی زاده

گزارش ویژه | ماهنامه سراسری میدان آزادی

شنیدیم که سفارش ویژه ای از سوی روح الله ایزدخواه نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی برای توقف تخریب ها شده و او به وزارتخانه فشار آورده است. من به سرعت این موضوع را توثیق کردم و برای همه مسئولان ارسال کردم تا مشاهده کنند. بالاخره مسئولان شهرستان ری با حمایت سربازان گمنام امام زمان (عج) و سپاه بر ادامه تخریب ها رای دادند و عملیات ادامه یافت. ساعت حدود ۴ عصر خبرنگار خبرگزاری ایلنا در محل حاضر شد و با دو نفر از متخلفان که دیوار آنها تخریب شده بود به صورت رپورتاژی و حمایتی مصاحبه و منتشر کرد. دقایقی بعد ایزدخواه در داخل صحن علنی مجلس برای دلخوشی متخلفانی که دست به دامن او شده بودند فیلمی را پخش کرد که سراسر کذب یا ضد و نقیض بود. در پاسخ به اظهارات این نماینده مجلس در خبری نوشتیم: جنابعالی در اظهاراتتان تلویحا فرمودید چون کشور شیریناز دارد پس دامداری غیرقانونی می توانیم داشته باشیم. آیا این اظهارات درست است؟ نماینده مردم پایتخت ایران هستید و قابل احترام اما با مدرک تحصیلی دکترای تکنولوژی نمی شود در مورد جزئیات تخصصی دامداری و دامپروری اظهار نظر کارشناسی داد. جنابعالی در گفته های خود می فرمائید که قرار بود این شرکت به صورت تعاونی اداره شود. حرف رسانه هم همین است اما تعاونی نشد و تبدیل به سهامی خاص شد. (آیا تفاوت آنها را می دانید؟) در ادامه نوشتیم: همچنین در گفته های شما بیان شده که هم اکنون در این مجتمع ۲۰۰ واحد دامداری فعال است و روزانه ۷۰۰ تن شیر تولید می کند و ۳۵۰۰ کارگر دارد که سالانه ۱۵۰ هزار تن گوشت گوساله راهی بازار می کنند. البته قطعاً وزارت جهادکشاورزی منبع رسمی تری برای آمارهاست. چراکه طبق آمارهای رسمی جهاد، در این مجتمع ۱۶۰ واحد فعال است و این میزان شیر تولیدی هم نادرست است. نکته دیگر آنکه در این مجتمع گاو شیری پرورش داده می شود و خبری از گاو پرواری نیست که شما از تولید گوشت سخن به میان آوردید. نکته جالب اینکه صدا و سیما هم نیم ساعتی دوربین به دست تخریب ها را تصویر گرفت اما به طرز وحشتناکی سانسور و پخش نشد. با این حال مردم فشافویه و دامداران دارای مجوز، خبرنگاران و بخشدار و مسئولان از علی یعقوبی اعظم خبرنگار خبرگزاری فارس که برای نخستین بار گزارش فساد در دامگستر را منتشر کرد قدردانی کردند. همچنین به تازگی متنی از روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۳۳۹/۰۷/۱۲ که در آن حمید علمی مدیرکل وقت اداره کل کشاورزی استان تهران اعلام کرده: سد فشافویه که برای ساخت آن ۷۰۰ میلیون ریال برآورد هزینه و از سال ۱۳۳۶ عملیات احداث آن شروع شده، تاکنون ۹۰ درصد آن با هزینه کرد ۵۰۰ میلیون ریال ساخته و مابقی اعتبار طرح هم تامین و تا دو ماه آینده یعنی حداکثر تا آبان سال ۱۳۳۹ به بهره برداری خواهد رسید. از سایت جامعه خبر منتشر شده است. البته احیاء منطقه و آب رسانی به سه هزار هکتار از اراضی لم یزرع منطقه فشافویه و ۳۳ روستای پایین سد هم به عنوان برخی از اهداف طرح، قید شده است. حالا با این توضیح ببینید در طول زمان چه بلایی سر این طرح ملی می آید؛ همانطور که قبلاً اشاره و افشا شد، پس از زد و بند مدیران دولتی با آقای نجفیان، (مدیر وقت دامگستر) حاکمیت و مالکیت مجتمع دامپروری دامگستر طی سال ۱۳۳۸ در اختیار آقای نجفیان قرار می گیرد و او با این ادعا که سد فشافویه در اراضی تحت مالکیت او واقع شده است، به هر حال او مالک بی منازعه سد، آب پشت سد و حتی بستر رودخانه و بستر اراضی سد شده و نه تنها حقا به روستاهای پایین سد را تصاحب و آنها را به ورطه نابودی کشاند بلکه آب که نعمتی الهی است، ابزار نجفیان برای اعمال قدرت می شود. ابزار که به نوعی هر دامدار کوچکترین مقاومتی در مقابل اوامر ملوکانه او داشت، آب را به روی آن واحد دامداری که نیاز بسیار مبرم دام می باشد قطع و بدین ترتیب مخالفین خود را به زانو در بیاورد. آب پشت سد به نام دریاچه فشافویه بعنوان مجموعه ورزشی آب اسکی فشافویه و محل ورزش های آبی مرفهین می شود. در حالی که مجوز تغییر کاربری آن شفاف نیست. اما ماجرا طبق نقشه های نجفیان پیش نمی رود و هر چند که دستگاه های متولی با سکوت خود، اقدامات سوء نجفیان را تایید و حمایت می کنند اما بالاخره دست غیب الهی از آستین بیرون آمده و با اخذ سند تک برگ برای کل بستر رودخانه، به نام دولت ایران شد.

در ادامه پرونده فساد بزرگ در مجتمع دامپروری دامگستر در فشافویه (شهرستان ری) شنیده شده که اعضای هیئت مدیره شرکت دامگستر (سهامی خاص) که پرونده اتهامی آنها در مرجع قضایی در دست رسیدگی است اخیراً با هدف فرار از اتهامات وارده و تطهیر خود، نسبت به تغییر اعضای هیات مدیره کرده اند و با استعفا دست جمععی، برخی افراد دیگر که خود را منتسب به مراکز قدرت می دانند، با قول و قرارهایی به جای خود منصوب کرده اند. این اقدام برای آن بوده تا موانعی را در مسیر اعمال قانون ایجاد کنند. در بین اعضای هیئت مدیره جدید ردپای برخی مدیران یکی از مراکز مذهبی (آستان حضرت امام ره) هم به چشم می خورد که طی سالهای گذشته، مدیران دامگستر ۴۸۱ هکتار از پلاک ۱۹۲ فرعی از ۳۴ اصلی را از قرار متری ۳۰ هزار تومان به این فرد فروخته و از منابع مالی به دست آمده منتفع شده اند. حال این سوال مطرح است که اگر اراضی دامگستر برای طرح دامداری و کشاورزی از سوی دولت تخصیص داده شده، به چه دلیل و چگونه به مرکز مذهبی مدنظر به فروش رفته و چرا ادارات متولی در مقابل این اقدام سکوت اختیار کرده اند؟ بر اساس این گزارش روزی روزگاری در کلان شهری به نام تهران دولت وقت تصمیم می گیرد تا دامداری های مزاحم آن شهر را به خارج شهر و در منطقه ای به نام فشافویه و در زمینی به مساحت حدود دو هزار هکتار مستقر نماید. در ادامه به جهات مختلف و با مرحمت متولیان دولتی و با لطایف الحیلی این دو هزار هکتار توسط فردی به نام نجفیان تصاحب و به افراد ذی نفوذ و صاحب منصب بذل و بخشش شده و قسمت قابل توجهی از آن به بهانه تولید و دامداری، دستخوش تغییر کاربری می شود. پس از دهها سال بی قانونی، بالاخره عده ای در دستگاهها و ادارات، علی رغم تمامی اعمال نفوذهای و فشارها وارد کارزار تقابل با این اژدهای هفت سر فساد می شوند. هر چند که کارهایی هم انجام می شود اما در مسیر، برخی نمایندگان مجلس از جمله شخصی به نام روح اله ایزدخواه که زمان را مناسب برای مطرح نمودن خود و جمع آوری رای مردم می بیند با ژست حق طلبی و حمایت از تولید، به مبارزه با مبارزین با فساد بر می خیزد و شروع به مانع تراشی در مسیر اصلاح امور می نماید. وی که با مدرک دکتری ICIDL اطلاعات خود را از شبکه فساد به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم می گیرد، این روزها تلاش می کند تا بلکه با زیر سوال بردن ارکان حکومت فعلی، رای مخالفین و قشر خاکستری را کسب و بلکه با این ترند برای چهار سال بعدی نیز خلمتگزار مردم در مجلس شورای اسلامی باشد، هر چند که شبکه فساد نیز این خدمات را فراموش نخواهد کرد. ۱۷ مرداد ۱۴۰۲، هادی حسین خانی بخشدار حسن آباد فشافویه بر اساس دستور جهادکشاورزی و حکم قاضی جهت قلع و قمع ساخت و سازهای غیرمجاز به همراه جبرائیل برداری مدیرکل جهادکشاورزی استان تهران، عابدی مدیر اداره جهادکشاورزی شهرستان ری، نماینده دادگاه و با حمایت و پشتیبانی فرماندهی انتظامی شهرستان ری و اطلاعات جنوب تهران ساعت ۴ صبح با تجهیزات کامل وارد مجتمع دامپروری دامگستر شد. حدود ۱۰ دستگاه لودر در این عملیات حضور داشتند و به دلیل حاشیه های امنیتی فقط یک خبرنگار برای پوشش خبری حضور داشت. سید هادی کسایی زاده خبرنگار حاضر در این عملیات می گوید: حضور تیم حضور ویژه پلیس تهران نشان می داد که ماجرا جدی است. آنچه که من شنیدم از شب قبل گروهی قمه به دست قصد جلوگیری از اجرای احکام را داشتند که با ورود نیروی انتظامی پراکنده شدند. تخریب ها یک به یک انجام شد و صاحبان زمین ها و املاک غیرمجاز همچنان در خواب ناز بودند. حدود ساعت های ۸ سر و کله برخی از آنها پیدا شد و با داد و فریاد قصد برهم زدن و توقف کار را داشتند. تماس های این افراد با مافیای ساخت و ساز در دامگستر به برخی مسئولان یقه سفید رسید و تماس های تلفنی با مدیرکل جهادکشاورزی استان از وزارتخانه تا مجلس مشهود بود. در میانه راه حتی مسئولان ناگهان غیب شدند و وقتی پرس و جو کردم شنیدم جلسه ویژه امنیتی برای عملیات تشکیل شده و فشارهای سیاسی برای توقف کار شنیده می شد. با گوش خودم

اعضای هیئت مدیره شرکت
دامگستر (سهامی خاص) که
پرونده اتهامی آنها در مرجع
قضایی در دست رسیدگی
است اخیراً با هدف فرار از
اتهامات وارده و تطهیر خود،
نسبت به تغییر اعضای هیات
مدیره کرده اند و با استعفا
دسته جمععی، برخی افراد
دیگر که خود را منتسب
به مراکز قدرت می دانند،
منصوب کرده اند.